***مركز مطالعات راهبردي روابط فرهنگي،* سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي**

**سال پنجم، شماره دهم، بهار 1398، 35- 66**

**اشکال ایران هراسی و شیعه هراسی در جهان امروز؛**

**و راهکارهای فرهنگی مقابله با آن**

**محمدمسعود صادقي**[[1]](#footnote-1)

**چکیده:**

ضرورت توجه به هنجارها و ادراکات ایجاد شده در چالش ایران هراسی و شیعه هراسی در جهان امروز موضوعی است که در آغاز دهه پنجم از انقلاب اسلامی باید بدان بیشتر پرداخت. ایران‌هراسی در سطوح منطقه‌ای، شیعه‌هراسی در سطوح فرامنطقه‌ای و اسلام‌هراسی در بعد جهانی پیگیری می‌شود که ابزار، اهداف، شیوه و روش‌های خنثی‌سازی هر کدام از آن‌ها متفاوت است، که در صورت نبود سیاستی منسجم و راهکارهای فرهنگی مقابله با آن می‌تواند چالش‌هایی را برای حفظ بنیان‌های اقتدار ملی منطقه‌ای و همچنین وحدت جهان اسلام بوجود آورد. سؤال اصلی و هدف این مقاله، مطالعه اشکال ایران‌هراسی است که ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری شیعه هراسی نیز در کشورهای منطقه در پی ارائه راهکارهای فرهنگی مقابله با آن نیز می‌باشد. طبق یافته‌های پژوهش راهکار افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان، آسیب‌شناسی فعالیت‌هاي فرهنگی خارج از کشور، توجه به ملاحظات و حساسیت‌هاي دیگر کشورها در سیاستگذاري‌هاي فرهنگی، تأکید بر حقوق بشر اسلامی و محکوم کردن اعمال ضد انسانی غرب و معرفی صحیح اسلام به جهانیان، از مهم‌ترین برنامه‌های راهبردی فرهنگي است که باید توسط نهادهاي مسئول و اندیشمندان شیعه مورد توجه و جدیت قرارگیرد.

**کلید واژگان:** ایران هراسی، شیعه هراسی، مقابله فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران

**مقدمه**

ایران هراسی پدیده‌ا­ی چند بعدی است که در پیوندی عمیق با موضوعات سیاسی و امنیتی قرار گرفته است. با این وجود نمی­توان با تقلیل آن به این ابعاد از ریشه­های تاریخی، فرهنگی و حتی سیاسی و بین­المللی آن غافل شد (زاده علی و میرحسینی،1396:151). این اصطلاح همچنین بی­اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری از ایرانیان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی و مذهبی را در برمی­گیرد. در مجموع، ایران هراسی به عنوان یک سیاست، طی سالیان و ادراکات تولید شده متمادی برای اهداف مختلف به کار گرفته شده است (خواجه سروی و بهرامی،89:1393)، ایران هراسی برنامه­ای راهبردی به منظور برساخت تهدیدی بزرگ از ایران برای منطقه و فراتر از آن تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت جهانی است که با ایجاد هراس در تلاش است با تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در برابر ایران، این کشور را تضعیف، تخریب و به حاشیه راند. این پدیده بیان کننده احساس مخالفت یا دشمنی با سیاست­ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین­المللی ایران است. ایران هراسی علاوه بر حوزه کشورهای غربی در حوزه کشورهای عربی منطقه نیز گسترش یافته و با تحرکات سیاسی بسیار در رسانه­ها و شبکه­های عربی نیز در حال شکل­گیری و راهبری است. این طرح بر مبنای بزرگ نمایی برخی از واقعیت­های موجود در منطقه خاورمیانه به انضمام انواع دروغ پراکنی و دگرگون نمایی شکل گرفته است؛ در این چارچوب چنین القا می­شود که در صورت قدرت­یابی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای منطقه مجبور خواهند شد هزینه­هایی کلان را متقبل و باخطراتی جدی مواجه شوند. (شریعتی نیا193:1389).

از سویی دیگر در دهه اخیر معظلی به نام اسلام هراسی بطور عام و شیعه هراسی بطور خاص باعث بروز مشکلاتی برای جامعه مسلمانان و سخت­تر شدن شرایط زندگی برای آن­ها شده است . در مورد تعریف دقیق اسلام هراسی اتفاق نظر وجود ندارد، اما شاخص­هایی نظیر «عدم تساهل»، «بیگانه ستیزی» (رولد[[2]](#footnote-2)،2004:53) و «نژاد پرستی» (جانسون[[3]](#footnote-3) 1998:182) برای آن ذکر شده است. با هر شکل و تعریفی که به اسلام هراسی نگاه شود، می­توان گفت که در نتیجه آن ، نوعی ترس واهی از مسلمانان میان سیاستمداران و افراد عادی ایجاد شده، مبنی بر اینکه دنیای اسلام (به طور اعم) و مسلمانانِ مقیم کشورهای غربی (به طور اخص) منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی محسوب می­شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان، به ناشکیبایی علیه مسلمانان کشورهای غربی دامن می­زند (درخشه و حسینی­فائق،297:1391). با توجه به مسائل یاد شده سؤال اصلی و هدف این مقاله، بررسی اشکال ایران هراسی است که ضمن بررسی زمینه­های شکل­گیری شیعه‌هراسی در کشورهای منطقه در پی ارائه راهکارهای فرهنگی مقابله با آن می‌باشد.

**روش تحقیق:**

روش تحقیق استفاده شده در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. در ابتدا با روش توصیفی به معرفی ویژگی­های ایران و اسلام شیعی و اشکال ایران هراسی و شیعه‌هراسی پرداخته شده و سپس با روش تحلیلی راهکارهای فرهنگی مقابله با آن را مورد بررسی قرار داده است.

**پدیده ایران هراسی:**

ایران یکی از کهن­ترین کشورهای جهان است که خود بنيانگذار تمدنی فراگیر می‌باشد، و در تاریخ پر فراز و نشیب خود به ایفای نقش­های گوناگونی در صحنه نظام بین الملل پرداخته است. ایران پیش از ظهور اسلام در قالب پادشاهی پارسیان، شدیداً بر روی عرصه بین الملل تأثیرگذار بود، و پس از اسلام يكي از به یک بازیگران جدی تمدنی تبدیل شد. این کشور در سده­های اخیر هرگز مستعمره نبوده است و در عین حال تأثیر به سزایی در بازی قدرت­های بزرگ مانند انگلستان و روسیه داشت و علیرغم اعمال سیاست­های استعماری این دو قدرت هرگز تسلیم محض و بی‌چون و چرای آن­ها نبود. سیاست خارجی ایران در دوران پس از جنگ جهانی دوم همواره از سیاست همکاری با قدرت­های غربی تا سیاست بی‌طرفی و حتی رویارویی در نوسان بود. سیاست خارجی ایران در دوران جنگ سرد تحت تأثیر شرایط موجود در آن قرار گرفت و به این ترتیب ايران به متحد استراتژیک آمریکا تبدیل شد، واشنگتن امیدوار بود که ایران بتواند جلوی نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه را بگیرد اما این ائتلاف راهبردی دیری نپایید و رژیم وابسته شاه در سال 1357 (1979م) توسط مردم ایران در جريان انقلاب اسلامی سرنگون شد و به این ترتیب جمهوری اسلامی بنیان نهاده شد؛ از آن هنگام تاکنون ایران و آمریکا روابط سرد، پر از تنش و خصمانه­ای را سپری کرد­ه­اند. (سیمبر،.1389:115) به عقیده چرنس، ایران هراسی به معنای ترس مفرط و غیر عقلانی از ایران به ویژه با بزرگ نمایی تهدید ایران هسته­ای کاربرد دارد (چرنس[[4]](#footnote-4)،2010:27). جیمز بیل پدیده ایران‌هراسی را ناشی از استقلال‌طلبی ایران از آمریکا می­داند. او می­گوید آمریکا سعی دارد تا از ظهور هژمون­های استقلال‌طلب منطقه­ای جلوگیری کند. همچنین، هرچه رفتار آن­ها مستقل­تر باشد آمریکا فشار بیشتری بر انها اعمال می­کند. همچنین هرچه جهان بینی هژمونی جهانی (آمریکا) و هژمون منطقه­ای متفاوت­تر باشد تنش­های سیاسی گسترده­تری میان آن­ها بوجود می­آید.بر این اساس، آمریکا از آن رو به ایجاد موج ایران‌هراسی در منطقه و جهان دامن می­زند که ایران می­کوشد مستقل از هژمونی جهانی رفتار کرده و جهان بینی آن بسیار متفاوت با ابر قدرت جهانی است (سیمبر،154:1389). به زعم بسیاری از نخبگان سیاسی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران در سال­های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در صدد صدور افکار انقلابی در منطقه برآمده، از جنبش­های سیاسی اسلام­گرا حمایت و آنان را علیه حاکمیت­های مطلقه تحریک کرده و اکنون نیز برای گسترش نفوذ خود در عراق، یمن ، بحرین و سوریه می­کوشد. بنابر اعتقاد اين طيف از عرب‌ها دو عامل نخست، تاریخ (امپراتوری عظیم و باشکوه گذشته) و دوم، ناسیونالیسم (پارسی‌گرایی) که با پیروزی انقلاب اسلامی بعد مذهبی (شیعه) هم به عنوان عامل سوم به آن اضافه شد، سه محرک اصلی چنین سیاستی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می­آیند (زاده علی و میرحسینی،1396: 158). در واقع می­توان گفت در اثر تحول­ها، اقدام­ها و تبلیغ­های منفی، فرهنگ ایران برای کشورهای عربی تهدید محسوب شده است. ایران هراسی فرهنگی نزد کشورهای عربی، نتیجه تعامل با این کشورها و معانی بین ذهنی است که در این تعامل ساخته شده است. مردم و حاکمان بیشتر کشورهای خاورمیانه به ویژه مصر، عربستان و اردن در نتیجه­ی عوامل مختلف به این تصور رسیده­اند که کشور ایران هویتی سیاسی و فرهنگی ایدئولوژیک دارد و در صدد است بر مبنای نقش­هایی که این هویت تعریف می­کند، اصول، ارزش­ها، نمادها و هنجارهایی را که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آن­هاست، به ملت‌های آن­ها منتقل کند. این مسئله باعث شده، بیشتر کشورهای خاورمیانه در مقاطع تاریخی از گسترش روابط فرهنگی بین ملت خود با ایران هراس داشته باشند؛ زیرا ترویج ارزش­ها و هنجارهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه را تهدید علیه دولت‌های خود قلمداد می‌کردند(شكري، كشاورز و همکاران،1392:16). ایران‌هراسی ایدئولوژیک، پدیده است که نشان دهنده ترس و هراس کشورهای حوزه خلیج فارس از فرهنگ و هویت ایران است.یکی از مهم­ترین مؤلفه­های بعد ایدئولوژیک در ایران‌هراسی اعراب به قرار زیر طرح شده است:

تشیع و تسنن: عنصر شیعی یکی از پایه­های هویت مذهبی و فرهنگی ایران است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز حکومتی شیعی است که با کاربست آموزه­ای این مکتب، روابط خود را با نظام جهانی تنظیم می نماید. در تمایز با عنصر شیعه، عنصر سنی یکی از مؤلفه­های مهم فرهنگ کشورهای اصلی جهان عرب است. در توصیف اهل سنت، شیعیان یک گروه مذهبی جدایی طلب­اند که اسلامشان کژ آیین و مشکوک است؛ اغراق و انحراف در احترام و علاقه به اهل بیت، نظریه ولایت فقیه و انتظار فرج از انحرافاتی است که شیعیان آن­ها را ایجاد نموده­اند. دو هویت شیعه و سنی دارای فرایند و تحولات تاریخی متفاوتی هستند. تثبیت معنای متفاوت در این عناصر، پیامدها و پویش­های سیاسی، امنیتی و اجتماعی متفاوتی را رقم زده است. این تفاوت­های ریشه­ای و عمیق با ورود در دستور کار و رفتار سیاست خارجی کشورها مبنای تنظیم روابط آن­ها شده است.در نتیجه یکی از دلایل به تصویر کشیدن ایران به عنوان تهدید برای نظم منطقه اختلافات فرقه­ای بین ایران شیعه و جهان عرب عمدتاً سنی بوده است. سه نمونه مهم از نگاه عرب‌ها که در آن اختلافات فرقه‌ای به صورت عمیقی موجب درگیری بخشی از جهان عرب به رهبری ریاض با تهران شده ناشی از روند تحولات عراق، لبنان و بحرین است( نورورزمن[[5]](#footnote-5)،2012: 3). همچنین یکی از دلایل ترس كشورهاي عربي از وقوع جنبش اسلامی در مصر این است که حضور عمیق و قدرتمند و پرسابقه تشیع در این سرزمین و به ویژه تجربه موفق حکومت شیعی فاطمیون در این کشور می­تواند زمینه نفوذ تفکر انقلاب اسلامی ایران را فراهم کند. تأثیر اندیشمندان معاصر شیعه مانند سید جمال الدین اسدابادی بر ارکان مذهبی و فرهنگی مصر این نگرانی را واقعی­تر می­کند. به گفته "فهمی هویدی" ایران هراسی در مصر در دوران مبارک به حدی رسیده بود که برخی بر این گمان بودند که دشمن واقعی ایران است نه رژیم صهیونیستی. فهمی هویدی با اشاره به رواج افسانه­هایی در دوران مبارک در مصر مبنی بر تهدید امنیت این کشور از سوی ایران و همچنین تلاش برای شیعه کردن مردم مصر گفت: این افسانه­ها را سازمان‌های امنیتی ساختند، آمریکا نیز با اعلام جنگ و مبارزه با تروریسم آن را پرورش داد و رژیم صهیونیستی به این موضوع دامن زد (پورسعادت،1391: 70-67).

همچنین از اشكال دیگر ايران‌هراسي می­توان در مورد ایران هسته­ای سخن گفت؛ دولت آمریکا با اعمال سیاست­های ایران هراسی، ائتلافی بین غرب ، عرب‌ها و اسرائیل علیه ایران به وجودآورده است. دولت آمریکا از راهکارهای سخت و نرم در راه بازدارندگی و مهار ایران استفاده کرده است، هدف آمریکا انتقال تسلیحات به متحدان خود در منطقه و نیز ارائه کمک­های اقتصادی استراتژیک به آن­هاست. انتقال تسلیحات به خاورمیانه طی سال­های 2004 میلادی تاکنون، یعنی سال­هایی که گفتمان تهدید ایران اوج گرفته و ایران هراسی در منطقه رایج شده است، به میزان سی و هشت درصد نسبت به سال­های 2003-1993.م. رشد داشته است. در راستای تحقق موازنه سخت، تحرکات نظامی عمدتاً به شکل مانورهای نظامی در منطقه و علیه ایران برگزار شده است. آمریکا وارد جنگ در همسایگی ایران شد که از پیامدهای آن تنگ‌تر شدن حلقه محاصره ایران است. بحث حمله اسرائیل به ایران و تکرار پیوسته این سخن که «گزینه نظامی همچنان روی میز قرار دارد» در همین راستا قابل تفسیر است. تحریم‌ها و محدودیت­های سیاسی به عنوان شاخصه­های فشار علیه ایران در حد وسیعی به کار گرفته شده است و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل چه بطور مستقیم و چه بوسیله لابی صهیونیستی و اعراب در این زمینه ایفای نقش کرده­اند. در همین چارچوب آمریکا، اسرائیل و بازیگران دیگری مانند چین، هند و روسیه را به دلیل همکاری استراتژیک با ایران تحت فشار قرار داده­اند . می‌توان گفت عکس­العمل تند و همراه با فشار غرب، به ویژه آمریکا علیه ایران تلاشی برای جلوگیری از تسلط ایران بر خاورمیانه و کسب هژمونی در این منطقه دانست. از طرفی دیگر ایران نیز به شدت می­کوشد تا شکاف قدرت خود با همسایگانش را به حداکثر برساند تا به جایی برسد که در خاورمیانه از ناحیه هیچ دولتی احساس تهدید نکند؛ به عبارت دیگر ایران تلاش دارد تا در مقابل سیاست­های غرب از جمله تحریکات آمریکا و اتحادیه اروپا مقاومت کند. آن­ها می­ترسند قدرت تأثیرگذاری ایران بر روی همسایگانش افزایش یابد و نهایتاً ایران پرقدرت درصدد برآید تا ایالات متحده آمریکا را از خاورمیانه بیرون کند. براساس این تفکر است که آمریکا شدیداً به بازدارندگی قدرت ایران پرداخته است (سیمبر،1389:119-118).

از مجموع آنچه گفته شد، روشن است که می­توان عوامل متعددی را برای ظهور پدیده ایران هراسی برشمرد. تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و تغییر دشمنی مسلمانان از رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران، سرعت بخشیدن به روند سازش كشورهاي عربي و رژیم صهیونیستی، تشکیل ناتوی عربی، مهار منطقه­ای ایران، منزوی ساختن ایران در عرصه­ی بین المللی، توجیه حضور نظامی و اشغالگری در منطقه و توجیه فروش تسلیحات به كشورهاي عربي برخی از این عوامل به شمار می­آیند. (زاده علی و میرحسینی، 1396:154).

مهم­ترین سرفصل­های ایران هراسی و جنگ روانی غربی­ها علیه ایران را می­توان در 9 محور زیر خلاصه کرد:

* القای دسترسی ایران به سلاح­های هسته­ای؛
* حمایت ایران از تروریسم؛
* نقض حقوق بشر در ایران؛
* القای تهاجمی بودن فناوری­های دفاعی ایران؛
* دخالت جمهوری اسلامی در امور کشورها؛
* حاکم بودن اسلام سیاسی در ایران؛
* القای مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه­ای؛
* هر انگار­ه­ای که موجبات هول و هراس در مخاطب علیه ایران بوجود آورد؛
* معرفی ایران به عنوان محور و کانون شرارت در جهان (پورخوش سعادت،1391: 44).

**پدیده اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی**

اسلام‌هراسی، از اصطلاحات تازه­ای است که به تازگی و به طور خاص در زمینه رابطه اسلام با غرب نسبتاً تداول یافته است. پدیده هراس از اسلام از زمان ظهور دین اسلام سابقه داشته است، اگرچه امروزه ، به ویژه در کشورهای غربی، گستره و عمق آن بیشتر شده است. (عیوضی و فلاح حسینی،1396:76). اسلام هراسی در خود این مفهوم را به همراه دارد که اسلام فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ­هاست، در مقایسه با فرهنگ غرب در موقعیتی فرو دست قرار دارد و بیشتر یک ايدئولوژي است تا یک دین اسلام هراسی واژه‌اي جدید است البته پیشینه تاریخی دارد و در ادبیات سیاسی – مذهبی معاصر، توصیف کننده، ذهنیت و نشأت گرفته از دیدگاه و مواضع جهان غرب نسبت به اسلام و جوامع اسلامی است. اسلام هراسی پدیده­ای است که به طور سازمان یافته از سوی بخشی از محافل تصمیم­گیری سیاسی –فرهنگی در غرب برای مقابله با اسلام طراحی شده است و با استفاده از ابزار رسانه در اشکال گوناگون و در سطوح مختلف اعمال می­شود (خانی،1388 :45-47). اسلام‌هراسی در یک تعبیر کلی عبارت است از نوعی ترس و نفرت گروهی از اسلام و مسلمین یا خصومت با آن­ها که در نتیجه آن زندگی و رشد و پیشرفت مسلمانان تحت تاثیر رفتارهای تبعیض امیز و آزار دهنده آن گروه با مشکل مواجه می‌شود. تصورات و برداشت­های ویژه­ای در مورد اسلام و مسلمانان ترویج می­شود که در چهارچوب آن­ها به مسلمانان به مثابه گروهی استثنایی و دارای گرایش به خرافات، جمود فکری، حشونت و ترور و در عین حال، سلطه­گری نگریسته شده، اما سهم آن در رشد و پیشرفت تمدن بشری نادیده گرفته می­شود. پدیده اسلام هراسی که اساسا در جهان غرب ریشه دوانیده و عمدتا در آنجا فرصت ظهور پیدا کرده، از عوامل مهم سوء تفاهم و ناسازگاری مسلمانان با غیر مسلمانان بوده است (عیوضی و فلاح حسینی،1396 :82).

از طرفی دین اسلام استعداد لازم جهانی شدن را دارد و این وعده را به پیروان خود داده است. دین اسلام بر خلاف سایر ادیان، دینی جهانی است و پیامبر آن محمد بن عبدالله(ص)، پیامبر همه جهانیان است، نه پیامبر یک قوم یا منطقه خاص. دین اسلام فقط ادعای جهانی شدن را ندارد؛ بلکه شرایط و قواعد تحقق نظام جهانی، همچون مهدویت در مذهب تشیع از پیش طراحی شده است (مظفری1386:217 ). نظام حاکم بر غرب پس از سال­ها نتیجه­ای جز تبعیض، نژادپرستی، قتل و کشتار و تجاوز به حقوق انسان­ها نداشته است و همه این عوامل، این نظام را در معرض سقوط و نابودی قرار داده است. اساسا مکاتب و اندیشه­های بشری ظرفیت لازم برای جهانی شدن را ندارند، زیرا اندیشه بشری هر چند استحکام یافته، اما نمی­تواند ساختارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت را دربرگیرد. از این­رو، گفته می­شود تنها ادیان و به ویژه ادیان الهی و ابراهیمی از ظرفیت و توانمندي درونی برای جهانی شدن برخوردار می‌باشند. در میان ادیان ابراهیمی، دین اسلام بنا به ماهیت جامع و فراگیر و با عنایت به ویژگی­های بشری و انسانی که دارد و عمدتا انسان را صرف نظر از تعلقات خونی، زبانی و سرزمینی مورد خطاب قرار می­دهد، از توانمندی برتری برای جهانی شدن برخوردار است( سجادی ،1383: 111-110). ساموئل هانتینگتون، نظریه­پرداز غربی، اظهار می­کند که سه تمدن در سراسر جهان مي‌توانند جایگزین تمدن غرب شوند: تمدن اسلامی، تمدن کنفسیوس چینی و تمدن ارتدوکسی روسیه. به نظر هانتینگتون، در میان این سه تمدن فقط تمدن اسلام، زمینه و ظرفیت حیات و شکوفایی را دارد. تمدن­های چین و روسیه قابل مهار شدن هستند؛ ولی تمدن اسلام مهار نشدنی است و بزرگترین خطر برای غرب محسوب می­شود که باید پیش از شکوفایی نابود شود (ادیب 1388:286). غربی­ها که معتقد به جهانی شدن لیبرال دموکراسی هستند، از ادعای جهان­شمولی شیعه واهمه دارند. به همین دلیل، سیاست­مداران مستکبر به اتکای آرای نظریه­پردازانی مانند هانتینگتون که از جنگ تمدن­ها و خطر مسلمانان سخن گفته بود، دست به اقدامات بازدارنده می­زنند. اسپکتر در سال 2009 میلادی در کتاب ایوانجلیست­ها و اسرائیل دربارۀ اعتقادات صهیونیست­های مسیحی یا همان ایوانجلیست­ها درباره اسلام می­نویسد رهبران ایوانجلیست از بی اعتمادی گسترده از اسلام سخن می­گویند و تعدادی از صهیونیست­های مسیحی هشدار می­دهند که مسلمانان در حال هدایت یک جنگ مذهبی علیه غرب و خدا هستند. بعد از جریان 11 سپتامبر نیز فالول ]یکی از مبلغان ایوانجلیست [پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) را به عنوان تروریست، محکوم می­کند» (اسپکتر[[6]](#footnote-6)،2009:47).

**پیشینه و ادبیات تحقیق:**

در ادامه؛ منابع موجود در زمينه اسلام‌هراسي و ايران‌هراسي مورد نقد و بررسي قرار مي‌گيرد.

**منابع اسلام هراسي:**

1. شايد بتوان گفت از جمله تلاش‌هاي اوليه‌اي كه در غرب در اين زمينه صورت گرفته؛ مجموعه مطالعات انجام شده توسط ريموند شوارك در بين سال‌هاي 1785 تا 1850 جولومزهر در سال‌هاي 1840 تا 1867 مي‌باشد و مجموعه تاريخ كمبريج كه در برداشت غربي‌ها از جهان اسلام بسيار مؤثر بوده است. در اين مجموعه‌ها تلاش براي مطالعه گذرا و شناخت اجمالي از كشورهاي اسلامي و ايران است و اساساً به مباحث بهبود روابط ميان غرب و جهان سلام نپرداخته است.
2. از جمله ديگر اين تلاش‌ها مي‌توان به كوشش ادوارد سعيد در كتاب شرق‌شناسي، ترجمه عبدالرحيم گواهي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1377، اشاره كرد. وي اولين انتقادها را بر رويكرد شرق شناسي وارد كرده و استدلال مي‌كند كه طرح و شالوده‌بندي مفهوم بنيادگرايي به عنوان اصطلاحي كليدي براي تحليل تضادهاي سياسي، از مكانهائي مانند كارخانه‌هاي فكري از شهرهايي نظير واشنگتن و لندن برخاسته است. وي در تلاش است كه بيان نمايد شرق شناسي، در نتيجه گسترش امپرياليسم در درون دنياي اسلام پديد آمد و دقيقاً همزمان با تسلط امپرياليسم بر بخش‌هاي عظيمي از جهان اسلام گسترش يافت. از اين رو، علي رغم ارايه اطلاعات مفيد تلاش كرده است كه راه مشكلات ميان دو مجموعه‌ي فوق فهميده شود ولي به راهكارها اشاره ننموده است.
3. بابي سعيد از ديگر نويسندگاني است كه در كتاب «هراس بنيادين» در چندين فصل تلاش دارد تحليل قوي و منطقي از اسلام گرايي در عصر حاضر را ارائه دهد. نويسنده كتاب فوق به بررسي گفتمان اسلام گرايي و بازتاب آن در عرصه جهاني متمركز مي‌گردد. وي درصدد است كه بيان نمايد ايده اروپامداري به عنوان مدل پايه‌اي توسعه و پيشرفت رو به ضعف است، لذا از اين منظر، ظهور اسلام‌گرايي بر تخريب و فرسايش اروپامداري و غرب مركزي استوار است. از اين رو گسترش اسلام‌گرايي، هراسي هم و مانعي اساسي در برابر افزون خواهي غرب در عالم است. تلاش بابي سعيد در فهم مشكلات قابل تقدير است. اما او نيز راهكارهاي لازم براي برون رفت از آن را مطرح نكرده است.
4. از ديگر آثار و پژوهش‌هاي مطرح شده در اين زمينه كتاب «وامداري غرب نسبت به شرق به ويژه و ايران» نوشته محمد آراسته‌خو مي‌باشد. در اين كتاب تلاشي قابل تقدير در حوزه علم، معرفت و دانايي صورت گرفته است. نويسنده تلاش نمود كه دو بخش نسبتاً طولاني اين روابط را به مطالعه بنشيند. از آنجايي كه نويسنده در حوزه معرفت و دانايي به مطالعه پرداخته است اين نتيجه نيز حاصل مي‌آيد كه هراس غرب از اسلام به بنيادهاي معرفتي و غني اسلام برمي‌گردد. از اين رو پيرامون تبيين وضعيت موجود و خروج از آن برنيامده و بدان نپرداخته است.
5. كتاب «نقش مسلمانان در شكوفايي اروپا»؛ غلامرضا گلي زواره، انتشارات صحيفه خرد، در پاييز 1388 به چاپ دوم رسيد. نويسنده در اين كتاب ضمن بيان كلياتي پيارمون وضعيت گوناگون قاره اروپا، به طلوع طلايي و حلقه وصل آن با جهان اسلام مي‌پردازد و آن را تشريح كرده است. تلاش كتاب در بين خدمات به جهان غرب از سوي اسلام قابل تقدير بوده اما در حوزه اسلام‌هراسي و چرايي عكس‌العمل منفي از سوي غرب و راهكارهاي برون رفت از آن وارد نشده است.
6. «تبعيض و ناشكيبايي عليه مسلمانان در اتحاديه اروپا بعد از 11 سپتامبر» كتابي است كه توسط علي مرشدي زاد ترجمه گرديده و توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سال 1388، منتشر شده است، اين كتاب به بررسي بيانيه فدراسيون بين‌المللي حقوق بشر هلسينكي پرداخته و ضمن توصيه‌ها به دولت‌هاي عضو اتحاديه اروپا نسبت به برخورد با مسلمانان، به بيان موردي چگونگي مواجه با مسلمانان مثل كشورهاي بلژيك، آلمان، فرانسه و... مي‌پردازد. اين كتاب نيز براي بررسي موردي قابل استفاده است اما راه‌ها و شيوه‌هاي برون رفت از وضعيت موجود را اشاره نكرده است.
7. «اسلام ستيزي» نام كتابي است كه توسط «انور مسعود» به رشته تحرير درآمده و از سوي پژوهشكده اطلاعات و امنيت در سال 1388 به زيور چاپ آراسته شد. اين كتاب ضمن نگاه و بررسي برخي حوادثي كه در مناطق مختلف جهان نسبت به مسلمانان رخ داده است، تلاش خوبي را انجام داده اما خروج از وضعيت فوق را بررسي نكرده است.

**منابع ايران‌هراسي:**

1. «بازتاب جهاني انقلاب اسلامي» نام كتابي است كه توسط منوچهر محمدي، در سال 1387 توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي در اختيار همگان قرار گرفت. نويسنده در اين كتاب سعي مي‌كند كه ضمن بيان هر يك از ويژگي‌هاي انقلاب اسلامي به ويژه در عرصه بين‌الملل، بازتاب آن را در عرصه بين‌الملل به بررسي بنشيند و در جغرافياي جهان اسلام اين بررسي را انجام مي‌دهد. اما اين كه با همه گستردگي اسلام در مناطق مختلف جهان و نفوذ انقلاب اسلامي، چرا راهبرد ايران هراسي هم چنان در دستور است، پاسخي نمي‌دهد.
2. ظهور اسلام به زعم بسياري از نويسندگان و محققين، اسلام هراسي را فراهم آورده است. سيدمحمد علي حسين زاده در كتاب «اسلام سياسي در ايران» كه در سال 1386 توسط دانشگاه مفيد به چاپ رسيد در تلاش است اسلام سياسي در ايران را بررسي كرده و از منظرهاي مختلف به آن اشاره مي‌كند. هم چنين جريان‌هاي مختلف را در شكل‌گيري اسلام سياسي بيان مي‌كند. اما اين كه چگونه زمينه‌هاي اسلام هراسي به وجود آمده و راه‌هاي برون رفت آن چيست را به خاطر موضوع بحث، مطرح نكرده است.
3. در عرصه بين‌الملل شكل گيري سياست خارجي دولت‌ها، بسترهاي نويي را در روابط جهاني فراهم آورد. كتاب «چارچوب تحليلي براي بررسي سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران» نوشه روح‌ا... رمضاني، توسط نشر ني در سال 1383 به چاپ رسيد. نويسنده‌ي كتاب در تلاش است كه ضمن بررسي سياست خارجي جوامع در حال نوسازي، به مطالعه سياسي خارجي ايران پرداخته و زمينه‌‌هاي آشتي ايران با ديگر كشورها را تحليل نمايد. مؤلف در بررسي و بيان چرايي شكل گيري اسلام هراسي تا حدودي ورود پيدا كرده است، اما به شكل توصيفي به تناسب مورد بحث وارد نشده و به راهكارها نيز نپرداخته است.

در مجموع و با توجه به آنچه بیان شد؛ درباره راهكارهای فرهنگی مقابله با ایران هراسی و اسلام هراسی در قالب مقاله منابع محدود و اندکی نگارش شده اند که از این حیث مقاله حاضر ضمن نوآوری، کمکی به تقویت ادبیات تولیدشده قبلی می نماید.

**زمینه ها و علل اسلام هراسی و ایران هراسی:**

در بررسی زمینه­ها و علل اسلام هراسی، باید توجه داشت که اسلام هراسی پدیده­ای پیچیده و چند بَعدی است و با مؤلفه­های فراوان سیاسی، فرهنگی، روانشناختی، اجتماعی و عقیدتی سر و کار دارد که در هر حوزه جغرافیایی نیز وضعیت خاصی یافته است. در هر حال عواملي مانند مهاجرت و پناهندگی، اقدامات افراط­گرایان، حوادث تروریستی، جنگ علیه تروریسم، اقدامات و اظهارات گروه­های تندرو اسلامی و غیر اسلامی، بحران­های هویتی در اروپا، سابقه تاریخی منازعات اسلام و غرب، مسائل ایدئولوژیک و ضعف و مشکلات داخلی مسلمانان، فعالیت مغرضانه برخی رسانه­ها و سیاستمداران و مسائلی از این دست، در شکل­گیری و گسترش اسلام هراسی به نوعی مؤثر بوده­اند (درخشه و حسینی­فائق،1391: 278)، موج دوم اسلام هراسی را می­توان بعد از حادثه یازده سپتامبر دانست. به گفته مارسل ماوسن: اسلام هراسی تمام اشکال و انواع متفاوت گفتمانی و زبانی و عملی را در بر می­گیرد که همگی از یک دسته ایدئولوژیک یکسان نشأت می­گیرند که همانا یک هراس غیرمنطقی از اسلام است ( جاسلین کساری[[7]](#footnote-7)،2006: 6). در این میان نقش گروه­های تندروی موسوم به « اسلام گرایان افراطی» و « اسلام گرایان بنیادی» را نیز نباید از یاد برد. بی‌شک « اسلام سلفی» در خشن جلوه دادن چهره اسلام و مسلمانان در محیط بین الملل نقش فراوانی بازی می­کنند. (عیوضی و فلاح حسینی،1396: 76). از جمله داعش که یکی از رادیکال‌ترین گروه­های اسلام گرا در خاورمیانه است که به لحاظ اعتقادی معتقد به سلفیسم است. این دیدگاه جزو اعتقادات سنی مذهب به شمار می­رود اما در قالب هیچ یک از چهار فرقه سنی قرار نمی‌گیرد. گفتمان داعش و ایجاد «فقه التکفیر» است و خشونت هسته اصلی این حرکت را تشکیل می­دهد . هدف اصلی در تفکر سلفی پاکسازی دین از تفکرات شرک‌آمیز است. به زعم سلفی­ها این تفکرات با گذشت زمان وارد اسلام شده و اسباب تحریف شریعت الهی را فراهم کرده­اند. لازمه زدودن شرک از پیکر اسلام بازگشت به اصل توحید است آن­گونه که این اصل از سوی رسول خدا و در قرآن کریم مطرح شده است. آن­ها به خصوص شیعیان را به واسطه آنچه آن را احترام بیش از حد وحصر این قوم به اهل بیت رسول خدا (ص) می‌پندارند مشرک، مرتد، و از دین برگشته می­دانند (بانزل[[8]](#footnote-8)،8:2015). در واقع داعش حاصل رقابت­های بلوغ نیافته استراتژیک بین قدرت­های منطقه­ای است. به طور کلی مهم­ترین عوامل زمینه ساز ظهور داعش در منطقه عبارتند از:

1. رقابت­های ایدئولوژیکی در منطقه میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی که اگر در دهه­های گذشته به صورت خاموش دنبال می­شد، امروز حالت علنی و آشکار به خود گرفته است.
2. پول سرشار حاصل از فروش نفت که سطح مطالبات و درخواست های دولت‌هاي فعال منطقه را بالا برده و دست آن­ها را برای صرف هزینه­های گزاف برای خواسته­هاي جاه طلبانه باز گذاشته است.
3. القای تفکر شیعه هراسی و ایران هراسی بین عربها توسط گروه­های ذی نفوذ موجب شده است تا رقبای ایران با القای این تفکر احساسات عقیدتی و روانی مردم منطقه را هدف قرار دهند.
4. نبود فضای گفتگو بین نخبگان در سه سطح حکومتی، دانشگاهی و دینی منطقه به چشم می­خورد که فضای ذهنی هر سه گروه را به شدت از یکدیگر دور کرده و انباشت­های ذهنی متخاصم را تقویت کرده است و روزبه روز بر رشد آن افزوده است (رنجبرشیرازی و همکاران،1393،25-26).

ایران از دیدگاه آمریکایی­ها ، رهبر اسلام سیاسی در جهان است و به اعتراف غربی­ها، بزرگترین کشور شیعه با موقعیت «سوق الجیشی» مهم در غرب آسیا قرار گرفته است که به چند دلیل به عنوان کشور مهم ژئئوپلیتیکی در جهان مورد توجه قرار گرفته است :

1. ذخائر نفتی عظیم 2. موقعیت استراتژیک در جنوب روسیه؛ 3. مهمترين کشور اسلامی در حالت تهدید برای اسرائیل؛ 4. نقش رهبری­اش در میان کشورهای اسلامی دیگر که ممکن است روزی غرب را با قطع جریان نفت تهدید کند؛ 5. روشی ناشناخته که در سال­های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، باعث پیشرفت های زیادش شده است (کشاورز و همکاران،1396:

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خارج شدن از بلوک غرب تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه­ای بر جای گذاشت. از این رو آمریکا همیشه ضمن اظهار ناخوشایندی از این وضعیت به دنبال این بوده تا ایران را تهدیدی بزرگ وجدی برای خود و منطقه بداند. به همین جهت کشورهای منطقه به اتخاذ مواضع ضد ایرانی خود افزوده و اقدام به مقابله با سیاست جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند. وجود ناهمگونی قومی ، مذهبی در میان کشورهای اسلامی منطقه در درازمدت منجر به بروز اسلام هراسی و تغییر دیدگاه و به وجود آمدن دیدی منفی نسبت به مسلمانان می­شود امروزه تعارضات فرقه­ای میان شیعه و سنی به یکی از مهم­ترین اختلافات سیاسی در خاورمیانه تبدیل شده است. این امر ناشی از توجه نکردن به اخلاقیات به عنوان رکن اساسی و محور روابط بین کشورها است که در نهایت موجب اسلام‌هراسی در منطقه شده و ظرفیت کشورهای جهان اسلام را برای اشاعه و تبلیغ اسلام با چالش مواجه می­سازد و این امر در رابطه با کشور ایران به عنوان کشوری شیعه حائز اهمیت است که در صورت اتخاذ نکردن سیاستی مناسب منجر به پدده شیعه هراسی می­شود (عیوضی و فلاح حسینی،76:1396). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصول ومبانی بنا شده است که این اصول و مبانی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی قرار می­گیرند این اصول شامل نفی سلطه­گری و سلطه پذیری، حمایت و دفاع از مسلمانان و جنبش­های آزادی بخش، مداخله نکردن در امور داخلی کشورها و احترام متقابل و... این حمایت­ها از جنبش‌هاي آزاديبخش به هیچ روی بر بنیاد تهاجم و توسعه طلبی نسبت به کشورهای منطقه قرار نگرفته است، اما دولت های منطقه همواره مواضع خصمانه­ای در قبال ایران اتخاذ کرده­اند که این مواضع بیشتر به دلیل عدم شناخت و بد فهمی دولت­های عربی منطقه از اصول و مبانی جمهوری اسلامی ایران از یک سو و ماهیت غیر دموکراتیک و محافظه کار این کشورها از سوی دیگر موجب رویکرد تهاجمی و خصمانه­ای نسبت به انقلاب اسلامی و سیاست خارجی منبعث از آن شده است (آدمی و همکاران،1391:144-145). درنتیجه می­توان گفت عوامل بسیاري در ایجاد و گسترش اسلام هراسی در کشورهاي اروپایی و ایالات متحده مؤثر بوده­اند که از جمله می­توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- رشد احساسات ضد مهاجرت در بیشتر کشورها.

2-اقدامات تروریستی گروه­هاي افراطی نظیر القاعده.

3- خشونت و تبعیض سازمان یافته ضدمسلمانان با حمایت دولت­ها و احزاب غربی.

4- گسترش ایدئولوژي­هاي خیر و شرگونه نظیر نظریۀ برخورد تمدن­هاي هانتینگتون.

5- هراس از گسترش ایدئولوژي اسلام سیاسی.

6- مشروعیت بخشی هوشمندانه دولت­هاي غربی به دشمنی ضد اسلام و مسلمانان و نادیده گرفتن حقوق مسلمانان.

7- هراس از گسترش اسلام و اسلامی شدن اروپا.

8-ایجاد و گسترش موج رسانه­اي ضداسلام و مسلمانان (درخشه و حسینی فائق، 1388:48).

**راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی جهت مقابله با ایران هراسی**

یکی از سیاست­های اتخاذ شده از سوی دستگاه سیاست خارجي جمهوری اسلامی ایران که باعث حساس شدن و نگرانی کشورهای عربی منطقه و به خصوص هم پیمان استراتژیک آن‌ها، ایالات متحده امریکا شده است می­توان جهت­گیری نسبت به پدیده بیداری اسلامی و خیزش­های مردمی منطقه، استکبار ستیزی و مقابله با زیاده روی‌های امریکا در خاورمیانه مي‌باشد. امری که حاکی از آن است که ایران به دنبال افزایش نقش و قدرت نسبی خود در منطقه خاورمیانه است و اين امر سبب شده است که کشورهای عربی منطقه سیاست خارجی ایران را تهاجمی و توسعه طلبانه بدانند که باعث ایجاد موج ایران هراسی در منطقه شده است در حالی که ریشه­های افزایش نقش ایران در درجه اول به ویژگی­های طبیعی ساخت قدرت، سیاست، موقعیت ژئئوپلتیک و جغرافیای فرهنگی ایران برمی‌گردد که در شرایط رخ دادن تغییرات ژئوپلیتیکی در عراق امکان بروز یافته­ و قبل از هر چیزی سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات سیاسی – امنیتی در منطقه را از بین ببرد. این تحولات عبارتند از : حضور نیروهای نظامی امریکایی در مرزهای فوری ایران و روند تغییر نظم منطقه به شکل نظم جدید سیاسی – امنیتی حاصل از بروز تغییرات جدید ژئوپلتيك. که جمهوری اسلامی ایران از این راه­ها سعی دارد با چالش­های امنیتی ابتدا با اتصال امنیت خود به مسائل سیاسی منطقه ، تهدیدهای امنیتی امریکا را از بین ببرد و دوم با ایفای نقشی فعال در منطقه، به خصوص در مرزهای فوری از چالش­های امنیتی ناشی از تغییرات ژئوپلیتیک و تحول در ساخت قدرت و سیاست در منطقه، در فضای سیاسی بعد از بحران عراق پیشگیری کند (بزرگر1388: 116-115). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارزش­ها و هنجارهایی که با منافع غربی­ها تعارض داشت مطرح شد و همچنین با وقوع انقلاب اسلامی ایران افق­های جدیدی به روی شیعیان گشوده شد و شیعیان به عاملی مؤثر در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند (کشاورز و همکاران، 10:1396).یکی از مهم­ترین عوامل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی پیوند معنوی شیعیان جهان و مطرح شدن اسلام سیاسی در میان شیعان است. سیاسی شدن شیعیان در شرایطی که اکثر آنان در منطقه‌ي حساس و ژئوپلیتیکی ساکن هستند و می­توانند در سیاست­های منطقه و جهان تأثیرگذار باشند، هراس غرب و دولت­های عربی را برانگیخته است (همان:14). شیعیان دارای مفاهیم عمیق فرهنگی هستند که در همه زمان­ها به هدایت جمعیت­های شیعه پرداخته و یکی از عوامل مهم در پیروزی انقلاب اسلامی ایران محسوب می­شوند. در این زمینه سلیمان دمیرسی به نقش تعیین کنندۀ مفاهیم شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می­کند و می­گوید: «اسلام شیعه یک نقش قاطع در این رویداد تاریخی ایفا کرد. با استفاده از روزهای عزاداری مربوط به عاشورا، اسطوره امام حسین (کربلا) و مراسم­های مربوط به این باورهای بنیادی شیعه، آیت الله خمینی قادر بود با فراهم ساختن یک کانال ارتباطی مؤثر بین معترضان و رهبران انقلاب ایران، اعتراضات مردم ایران را به بحرا ن­های انقلابی انتقال دهد. در همان زمان [امام]خمینی قادر بود یک مکانیسم برای بسیج سیاسی توده­ها علیه رژیم شاه فراهم کند (دمی­ریکی[[9]](#footnote-9)،47:2013). یکی دیگر از نویسندگان غربی می­گوید: «حرکت دسته جمعی عاشورا، به طور ویژه، یک الگو برای بیان عمومی اتحاد جمعی و احساس اخلاقی ساخت که در انقلاب قابل توجه بود و درک مشترک در میان همه انواع باورهای شیعه درباره امامان را تقویت کرد. ( آکسورثی[[10]](#footnote-10)24:2016).

در دوران حاضرتلقی منفی و تصویر ذهنی تاریکی که جهانیان از کشور ایران کسب کرده­اند، در سایه تبلیغات منفی و ایران هراسی و شیعه هراسی توسط نظام جهانی سلطه بالاخص آمریکا و همچنین عربستان به عنوان رقیب دیرینه ایران در منطقه خاورمیانه بوجود آمده است. برون رفت کشور از این چالش دیپلماتیک، تنها در سایه دیپلماسی فرهنگی قابل تغيير و اصلاح است. در کنار به کارگیری مجاری و راه‌های دیپلماسی رسمی، باید به بزرگراه دیپلماسی فرهنگی توجه ويژه کرد و با برنامه‌ریزی حساب شده در حوزه­های آموزشی، هنری و فرهنگی به ترویج ارزش‌های مطلوب کشور اقدام کرد. تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می­توان در عمق باورها و اعتقادات ملت­ها رسوخ کرد و ائتلاف­ها و اتحادهایی پایدار را در نظام بین­الملل بنیان نهاد. از این دیدگاه، به کارگیری دیپلماسی فرهنگی را نه تنها برای دستیابی به اهداف فرهنگی بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی، و حتی نظامی نیز می­توان تجویز کرد. (موسوی صمدی،1394:24) از این رو دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی ج.ا. ایران برای آگاه ساختن جهانیان باید عناصر، ارزش­هاو ویژگی‌های فرهنگی ایران را گسترش داده و ژرفا بخشد؛ زیرا دیپلماسی فرهنگی می­تواند به مردمان جهان کمک کند تا فرهنگ وتمدن و ارزش­های ایران را به درستی بشناسند.گسترش فرهنگی فرآیندی است که در آن دیگر جوامع و فرهنگ­ها، عناصر و ویژگی­های فرهنگ ايران را جذب می­کنند. این فرایند در ملت‌هایی رخ می­دهد که فرهنگی نزدیک و متجانس با ایران دارند.

روش­ها و مكانيسم­هايي را كه بتوان در پرتو آن­ها از فرهنگ و قابليت­هاي فرهنگي در خدمت ديپلماسي بهره برداري كرد از اهميت ويژه­اي برخوردار هستند. جستجو براي يافتن ابزار و روش­هاي اعمال ديپلماسي فرهنگي، ما را به فرهنگ و سنن ملت­ها باز مي­گرداند زيربناي سياست فرهنگي، مفاهيم و تعهداتي است كه ملت­ها براي خويشتن در مقابل جهان قائل شده­اند. كاميابي و موفقيت در سياست خارجي بطورعام و در حوزه تغيير چهره و تصوير يك كشور در جوامع ديگر بطور خاص، در گرو استفاده درست از ساز وكارها و ابزارهاي فرهنگي در چارچوب ديپلماسي، فرهنگي است. (خاني،229:1386)

بر اساس نظریه سازه انگاری، ماهیت، هویت و فرهنگ، امری برساخته در فرایند مشارکت در معانی جمعی و اجتماعی است. در این چارچوب، هویت و فرهنگ به عنوان بازیگر عرصه­ی بین‌المللی، تصورهای خود از دیگران و اهداف خود را مشخص می­کند و به کنش می­پردازد و در مورد دیگران ساختار ذهنی را شکل می‌دهد؛ یعنی بازیگران براساس تعامل با یکدیگر و معانی بین ذهنی که بین آن­ها رد و بدل می­شود، از یکدیگر هویت­های خاص و ویژه­ای در ذهن خود خلق می‌کنند.(عسگری،34:1384)

معرفی صحیح اسلام به جهانیان: یکی از مهم­ترین برنامه­های راهبردی که باید توسط نهادهاي مسئول و اندیشمندان شیعه مورد توجه و جدیت قرارگیرد، آگاه نمودن مردم جهان در باره اهداف و مبانی دین اسلام، اهداف انقلاب اسلامی ایران و همچنین تشریح علل تضاد آن با تفکرات غرب است. غرب شناسی و آشنایی با تفکرات اومانیستی و شناخت همه ابعاد علمی، تکنولوژی، ساختارهای مدرن، رفاه و سایر مناسبات می­تواند ماهیت حقیقی غرب را برای جهانیان روشن کند، از ضروریاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از امکانات رسانه­ای و اعزام مبلغ به نقاط مختلف جهان می­تواند اسلام حقیقی رابه جهانیان معرفی کند. (کشاورز و همکاران ،18:1396) قابل توجه است كه در معرفي اسلام به جهانيان از مدرن‌ترين ابزار و روش‌ها استفاده نمود تا بيشترين تأثيرگذاري را داشته باشد. زيرا كشورهايي كه درصدند به ايران‌هراسي دامن بزنند مجهز به مدرن‌ترين ابزار و روش‌ها هستند.

تأکید بر حقوق بشر اسلامی و محکوم کردن اعمال ضد انسانی غرب: قبل از اینکه غربی­ها ادعای حقوق بشر نمايند، در قرآن به وضوح درباره آن سخن گفته شده است. دین اسلام حقوق بشر را ناشی از ارزش ذاتی و کرامت انسانی می­داند و همه انسان­ها را با تیره­ها و نژادها، زبان­های مختلف یکسان می­داند و تفاوت بین انسان­ها را میزان تقوا و عمل صالح آن­ها می­داند.در نتیجه نظام اسلامی ایران باید با مطرح کردن مباني حقوق بشر اسلامی، اعمال جنایت کارانه غرب را در برخورد با انسان­ها، هر چه بیشتر افشا نموده و انان را نزد افکار عمومی رسوا نمایند. (همان ص19)

حضور فعال ایران در منطقه و ایجاد وحدت میان جهان اسلام: در فضاي روابط فرهنگي بين المللي و حوزه ديپلماسي فرهنگي هر كشور بدنبال آن است كه تصوير خود را در ميان مردم ديگر جوامع مثبت و سازنده نشان دهد، اصولاً در ميان كشورهاي اسلامي به دليل وجود ساختارهاي سياسى متفاوت، ناسازگارى وجود دارد. غالب نظام­هاى سياسى و به ويژه نظام­هاى سلطنتى استبدادي كه قدرت در دست پادشاه و خاندان او متمركز است، مخالف واگذارى بخشى از قدرت خود به يك مركز فراملى‌اند و به محدود شدن قدرت خود راضى نمى­شوند، تنوع نظام­هاى سياسى در جهان اسلام و ماهيت ناسازگار برخى از آن­ها با يكديگر، نوعاً مانع از يكپارچگى و همبستگى ميان كشورهاى اسلامى مى­شود و اين موضوع انطباق منافع، اهداف و جهت­گيرى­هاى مختلف منطقه را دشوار مى­سازد. (ولایتی و سعیدمحمدی،1389: 171) دولت جمهوری اسلامی ایران باید بتواند در روابط دیپلماتیک خود با کشورهای منطقه بر موضوع وحدت میان جهان اسلام تأکید کند و برای مقابله با ناآگاهی مردم کشورهای حوزه خلیج فارس، سازمان­های غیر دولتی موجود در منطقه، زمینه ایجاد گفت و گوی صمیمانه میان جوامع مذکور را فراهم کنند تا به این وسیله مردم این جوامع را از اهداف دشمنان اسلام آگاه نمایند. (مومنی،47:1386 ).

بهره‌برداری مؤثر از رسانه در سطح ملی و فراملی: مهم­ترین وسیله برای مقابله با حرکت سازمان یافته غرب، استفاده از رسانه­های مختلف در سطح ملی و فراملی است. رسانه­ها در سطح ملی میتوانند افکار عمومی جامعه را زنده نگه دارند و در حوزه فراملی نیز رسانه­ها می­توانند با تأکید بر وحدت میان جهان اسلام و افشای حرکت غربی­ها نمایند و با پخش برنامه­های روشنگرانه، افکار عمومی جهان را با حقیقت اسلام آشنا نمایند. (کشاورز و همکاران20:1396).

همچنین توجه به ملاحظات و حساسیت­هاي دیگر کشورها در سیاستگذاري­هاي فرهنگی، ایجاد همگرایی و تعامل فرهنگی، آسیب شناسی فعالیت­هاي فرهنگی خارج کشور (صدا وسیما، مراکز اسلامی در لندن، هامبورگ، وین، واشنگتن، نیویورك، جامعه المصطفی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، معاونت سینمایی و هنري وزارت و ارشاد اسلامي)، تدوین راهبرد، اهداف و رویکردهاي فرهنگی- هنري معرفی اسلام رحمانی به غرب،ایجاد تصویری مطلوب از هویت ایران و ایرانی در اذهان مردم کشورهای خاورمیانه؛ تغییر نگرش منفی مردم کشورهای خاورمیانه نسبت به فرهنگ و تمدن ایران ،به کارگیري نیروهایی که شناخت کافی نسبت به اسلام و غرب دارند، برگزاري سمینارهاي علمی و نمایشگاه­ها و برنامه­هاي هنري ماهیانه در شهرهاي اصلی غرب نظیر، لندن، واشنگتن، پاریس، نیویورك، برلین، رم، مادرید، برگزاري تورهاي ایرانگردي براي تجار، اساتید، دانشجویان، روزنامه نگاران، نویسندگان و دیپلمات­هاي جهان غرب، تولید فیلم­هاي سینمایی و انیمیشن براي مخاطب غربی و همچنین عربی جهت معرفی فرهنگ و تمدن و ارزش­هاي متعالی اسلامی، از جمله راه کارهاي کاهش موج اسلام هراسی در غرب و تصحیح تصور نادرست غربی­ها درباره اسلام است که می­تواند ايران را یاري رساند.

همچنین گفتگو میان مسلمانان و غربی­ها که از طریق روش­هاي زیر ممکن است:

الف. تشویق اساتید دانشگاهی جهت نگارش آثار مشترك با نویسندگان غربی.

ب. برگزاري همایش­هاي بین­المللی جهت شناسایی و جذب اساتید براي همکاري در راستاي مقابله با اسلام هراسی

ج .ارتباط با نخبگان غربی و ارائه تصاویر صحیح از اسلام به آنان.

د. ارائه امکانات لازم جهت بهره­گرفتن از پتانسیل دانشجویان مسلمان و به ویژه ایرانی جهت معرفی اسلام ناب به دانشجویان دانشگاه­هاي سراسر جهان.

(اشرف‌نظری، 137:1395)

**نتیجه گیری:**

پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر شکوفا کردن گفتمان اسلامی و رشد شاخص‌های مردم‌سالاری، به بازیابی عزت و جلال شیعیان و تقویت هویت جمعی آنان انجامید و به چشم‌انداز روشنی در مسیر ایشان برای یافتن جایگاهی اثربخش و شایسته در کشورهای متبوع خود تبدیل شد. اثر تحقق انقلاب اسلامی در ایران به حدی بود که به عقیدۀ بسیاری از تحلیلگران، این انقلاب فقط متعلق به ایرانیان باقی نماند، و جنبش‌ها و قیام‌های به راه افتاده در بسیاری از کشورهای دیگر تحت‌تأثیر مستقیم این رویداد دوران‌ساز بود. ایران‌هراسی به عنوان یک سیاست طی سالیان متمادی برای اهداف مختلف بکار گرفته شده است. یکی از این سیاست ها به منظور فروش تسلیحات نظامی به کشورهای خاص صورت پذیرفته است. (بطور خاص کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس) و دیگری به منظور بد معرفی کردن ايران با عناوین مختلفی مانند یک کشور بی‌فرهنگ، محور شرارت، بزرگترین حامی تروریست در جهان، کشوری که نفرت را در دنیا اشاعه می‌دهد، بزرگترین تهدید برای همسایگان، تهدیدی برای صلح‌جهانی، اتهام به ایران برای طراحی توطئه به منظور نسل‌کشی یهودیان در آینده، و موارد مشابه دیگر عنوان می­شود با اينكه ایران هراسی و شیعه‌هراسی ترفندی تبلیغاتی در کشورهای خاورمیانه و چالشی مهم برای کارآمدی دیپلماسی ایران در این منطقه به شمار می‌آید، بهترین راه مقابله با این ترفندها، استفاده هوشمندانه از ديپلماسي فرهنگي است. با گسترش موج جدیدی از جنبش‌های اسلامی با وجود ظهور گروه‌های تروریسم همچون القاعده و داعش که با هدف متوقف ساختن حرکت‌های اسلامی و بد نام کردن چهره درخشان اسلام صورت گرفته است مهم­ترین فرصت نظام جمهوری اسلامی در تحولات منطقه، مدیریت و کنترل این تحولات با ابزار و قدرت نرم فرهنگ در همه جنبه‌های آن است و همچنان مهم­ترین تهدید پیش رو نیز از همین ناحیه خواهد بود.

به‌طور کلی راهبرد مقابله فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان تلاش برای برقرای و سپس افزایش، ارتقا و گسترش معاملات، مبادلات و ارتباطات فرهنگی میان ملت ایران و دیگر ملت‌ها، به‌منظور طراحی، تدوین و اجرای موافقت‌نامه‌ها و دستیابی به تفاهم فرهنگی مبتنی بر ارزش‌ها و فهم مشترک در معرفی و گسترش مؤلفه‌ها، عناصر و ارزش‌های اسلامی و شیعی و گفتمان انقلاب اسلامی دانست. طبق یافته­های پژوهش؛ راهکار افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و توسعه روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان ،آسیب شناسی فعالیت­هاي فرهنگی خارج کشور، توجه به ملاحظات و حساسیت­هاي دیگر کشورها در سیاستگذاري­هاي فرهنگی، تأکید بر حقوق بشر اسلامی و محکوم کردن اعمال ضد انسانی غرب و معرفی صحیح اسلام به جهانیان، از مهم ترین برنامه‌های راهبردی است که باید توسط نهادهاي مسئول و اندیشمندان شیعه مورد توجه و جدیت قرارگیرد.

**منابع**

1. آدمی، علی؛ حبیبی،سیدمهدی؛ بخشی­تلیابی، رامین(1391) انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت­های عربی منطقه، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره 2، 144-145

2. ادیب، مصطفی،1388. تفکر شیعی و پدیده جهانی شدن، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

3. اشرف نظری، علی(1395) فرایندهای هویتی در غرب و بازنمایی سیاستگذاری مبتنی بر هراس: درک زمینه­های اسلام هراسی، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاري عمومی، دوره 2،شماره 3، پاييز 1395، صص140-119

4. برزگر، کیهان (1388). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی ، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره 1،صص115-116

5. پورسعادت، محمد (1391). کاربست ایران هراسی در مهندسی افکار عمومی مردم مصر، مجله 15 خرداد، سال دهم، شماره33 ، پاییز.

6. خانی، محمدحسن (1388) اسلام هراسی در رسانه­های غربی، فصلنامه رسانه، سال بیستم شماره3،45-47

7. خانی، محمد حسن (1386) نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تاکید بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی وسیاست خارجی : رویکرد ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

8. درخشه، جلال ، حسینی­فائق، سیدمحمدمهدی (1391) ابعاد اسلام هراسی در بریتانیا پس از یازده سپتامبر ، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره 28، صص298-275

9. درخشه جلال ، حسینی­فائق، سیدمحمدمهدی (1388). اسلام هراسی در رسانه­های غربی؛ مطالعه موردی رسانه­های بریتانیا، فصلنامه علمی ترویجی وسایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره 3،شماره پیاپی79،صص45-57

10. زاد علی، مهدی، میرحسینی، فرشته (1396)، ریشه­های ایران هراسی از نگاه افکار عمومی و جهان، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم ، شماره2، صص182-151

11. سجادی، سیدعبدالقیوم (1383) درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، چاپ اول. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

12. شریعتی نیا، محسن (1389) ایران هراسی: دلایل و پیامدها، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.

13. خواجه سروی، غلامرضا. بهرامی، سمیه (1393) تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس گفتمان ایران هراسی، پژوهش­های سیاسی جهان اسلام، شماره13 ، زمستان.

14. عسگری، محمود (1384) ویژگی­ها و کارکرد قدرت نرم، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال سوم، شماره 34

15. عیوضی ، محمدرحیم، فلاح­حسینی،مهسا (1396) اسلام هراسی و سناریوهای پیش روی آن، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام ، سال ششم، شماره23، صص92-75

16. کشاورزشکری، عباس، بیات، محسن، بخشنده، خاطره (1392). دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره 23،صص7-29

17.مومنی، میرقاسم (1386) خاورمیانه، ویژه خلیج فارس، تهران: ابرار معاصر ایران.

18. مظفری، آیت (1386). شیعه و جهان فردا. قم: زمزم هدایت.

19. موسوی­صمدی، سیداحمد (1394)، دیپلماسی فرهنگی عرصه رویارویی جهان آینده، فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، سال پنجم، شماره هشت ونه، بهار تا زمستان1392،صص28-7

20. ولایتی، علی اکبر،سعیدمحمدی، رضا(1389) تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان 1389،صص151-176.

21. Axworthy, Michel (2016). Revolutionary Iran, a History of The Islamic Republic. London: Oxford University Press

22. Bunzel, Cole (2015) From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State, The Brookings Project on U.S. Relation with the Islamic World, No. 19.

23. Chernus, Ira. (2010) Iranophobia: The Panic of Hegemons, Tikhun, Vol.15,

Issue 6, November/December.

24. Demirci, Suleyman (2013). "The Iranian Revolution and Shia Islam: The Role of Islam in the Iranian Revolution". International Journal of History. Vol. 5. Issue 3. Pp. 37- 48.

25. Johnson, M. R. D. Soydan, H.Williams, 1998, *Social Work and Minorities: European Perspectives*, London, New York, Routledge

26. JocelyneCesari, (2006) Muslims In Western Europe After 9/11: Why the term Islamophobia is more a predicament than an Explanation.

27. Roald, Anne Sofie, 2004, *New Muslims in the European context-The Experience of Scandinavian Converts*, Leiden: Brill

28. Spector, Stephan (2009). Evangelicals and Israel. New York: Oxford University Press.

1. دانشجوي دكتراي تاريخ پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي

   Email: [okmasoud@gmail.com](mailto:okmasoud@gmail.com) [↑](#footnote-ref-1)
2. Roald,2004:53 [↑](#footnote-ref-2)
3. Johnson,1998,182 [↑](#footnote-ref-3)
4. chernus [↑](#footnote-ref-4)
5. Nuruzzaman [↑](#footnote-ref-5)
6. Spector [↑](#footnote-ref-6)
7. JocelyneCesari [↑](#footnote-ref-7)
8. Bunzel, [↑](#footnote-ref-8)
9. Demirci [↑](#footnote-ref-9)
10. Axworthy [↑](#footnote-ref-10)